

بررسی و تاثیرات تحولات منطقه ای بر امنیت مرزهای ایران و ترکیه

نوع مقاله: پژوهشی

مهدی نجفی^۱

جلیل نائیبیان^۲

پرویز احدی^۳

محمد یوسفی جویباری^۴

چکیده

امنیت در واقع تلاش برای مقابله و مقاومت در برابر تهدیدهای خارجی و رفع و کاهش آسیب های داخلی و ایجاد شرایط مناسب و مطلوب برای بارور شدن قابلیت ها و استعداد های فردی ، تامین آرمان ها، اهداف و ارزش های مطلوب جامعه انسانی و ارتقا کیفیت و سطح زندگی انسان هاست و مرز منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسییک دولت بوده و مطابق قواعدی خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا، اشراف کار می باشد. امنیت و ضرورت ایجاد آن از اصول بسیاری است که در کلیه جوامع و مکاتب بر آن تاکید شده است. در واقع امروزه، به علت ماهیت فضایی روابط بیندولت ها فامنیت و بقای ملی دولت ها تحت تاثیر نوع فضای سیاسی مسلط بر فضای پیرامونی، منطقه ای و جهانی است که بیشتر جنبه ی امنیتی به خود گرفته است. و بازیگران متعدد و زیادی نیز به طور همزمان در روابط بین المللی به ایفای نقش می پردازند این تعدد و زیادی عوامل و بازیگران بین المللی موجب پیچیدگی روابط بین المللی می شود. و نظام بین المللی بر خلاف جامعه داخلی فاقد حکومت و اقتدار مرکزی است. نبود حکومت و اقتدار مرکزی بدان معناست که در سیاست بین المللی نظم سلسله مراتبی و ناظمی وجود ندارد که روابط بین کشور ها را تنظیم کند، که نظریه ها و تحلیل گران سیاست بین المللی را سرشار از منازعه و جنگ بدانند که در آن جایی برای همکاری، همگرایی و کارکرد رژیم های بین المللی نیست، به ویژه آن ها همکاری بین واحد های ملی و کشورها را نا ممکن یا دست کم بسیار سخت و دشوار نموده است اما همگرایی منطقه ای، متضمن وجود و ایجاد ساختار ها ، نهاد ها و ترتیبات منطقه ای بین حکومتیها فوق ملی است. که هماهنگی رفتار و سیاست های کشورهای عضو در حوزه های موضوعی مختلف می پردازند و همگرایی منطقه ای را می توان در مسائل اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی بررسی نمود.

hosseinmk2016@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

^۲ دانشیار و عضو هیئت علمی، گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز ، ایران(نویسنده مسئول) jnayebian@gmail.com

^۳ استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران و استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز parvizand@gmail.com

^۴ دانشیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، yousefjoubari@iaut.ac.ir

واژه های کلیدی: مرز، امنیت، بازیگران بین المللی، همگرایی منطقه ای، دیپلماسی، سیاست خارجی، ایران، ترکیه

Investigation and effects of regional developments on the security of Iran and Turkey borders

Abstract:

Security is actually an effort to confront and resist external threats and eliminate and reduce internal damage and create suitable and favorable conditions for the fertilization of individual capabilities and talents, providing ideals, goals and desirable values of human society and improving quality. And it is the level of human life, and the border reflects the territory of political sovereignty of a government, and according to certain rules, against human movement, transfer of goods, work aristocracy. Security and the need to create it is one of the many principles that have been emphasized in all societies and schools. In fact, today, due to the spatial nature of the relations between the governments and the national survival of the governments, the influence of the type of political environment that dominates the peripheral, regional and global environment is mostly security-oriented. At the same time, they play a role in international relations. This multiplicity and many international factors and actors cause the complexity of international relations. And the international system, unlike the domestic society, lacks central government and authority. The lack of government and central authority means that in international politics there is no hierarchical order and regulator to regulate relations between countries, which theories and analysts consider international politics to be full of conflict and war, where there is no place for cooperation. It is not the convergence and functioning of international regimes, especially they have made cooperation between national units and countries impossible or at least very difficult, but regional convergence implies the existence and creation of regional structures, institutions and arrangements. It is intergovernmental or supranational. which coordinate the behavior and policies of the member countries in different subject areas and regional convergence can be examined in economic, political, security, cultural and social issues.

Keywords: border, security, international actors, regional convergence, diplomacy, foreign policy, Iran, Turkey

مقدمه

علل و عوامل و متغیر های بسیاری در روابط بین المللی تاثیر گذارند. که بازیگران متعددی در روابط بین المللی به ایفای نقش می پردازند که این بازیگران یا در منطقه هستند یا فرامنطقه ای می باشند که نقش کلیدی داشته و در امنیت تاثیر گذار بوده است. بی تردید بدون امنیت هیچ برنامه ای در کشور قابل اجرا نبوده، در واقع مقوله امنیت تا به آن جا اهمیت دارد که هرگونه فعالیتی نیاز به بستری ایمن و مطمئن در سطوح مختلف جامعه داشته باشد، همه و همه در گرو امنیت است و به عبارت دیگر امنیت در زمره اهداف، منافع و ارزش های اصول و پایدار جامعه است. این امنیت با همگایی منطقه ای و دیپلماسی و سیاست خارجی میان دولت های هم مرز نقش آفرینی نموده و اگر بازیگران بین المللی بخواهند با نفوذ خود ایجاد ناامنی نمایند گلفتمان همگرایی و دیپلماسی باعث خواهد شد که فرآیند راهکارها و راهبردهای مقابله و تهدیدات برای خود جایگاه خاصی پیدا کند. امنیت به طور کلی یعنی تداوم اموری مانند: سلامت جسم و فکر و روح، همبستگی خانواده، جریان سرمایه گذاری فیزیکی و انسانی و جریان مصرف معقول و همچنین انتظارات افراد جامعه از تداوم آنی این امور به سمت بهتر شدن به گونه ای که موقعیت موجود و بهبود این امور، از تعرض و گزند عوامل مخرب مختلف در امان باشند(متقی، ۱۳۷۷: ۲۵).

امنیت مرز یک موضوع تک بعدی نیست بلکه یک مقوله مرکب است. پاسداری از مرز یعنی پاسداری از فرهنگ، پاسداری از هویت، پاسداری از ملیت و استقلال و استقلال و غیرت است که ایجاد حسن همگرایی ملی و اسلامی در مناطق مرزی، ارتباط با کشورهای همسایه به صورت دیپلماسی که به دنبال خود ارتباطات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با خود خواهد داشت که مرزهای جغرافیایی و مسائل مختلف مربوط به آن، در سیاست های داخلی و خارجی هر کشور اثر داشته و دارای اهمیت ویژه ای هستند. مرز مهم ترین عامل در روابط سیاسی دو کشور محسوب می شود. اگر امنیت کشوری از طرف مرزهای مشخصی مختل و ناآرام می گردد. مسلماً روابط روابط بین آن کشورها تیره و در صورت افزایش همکاری، بحران به وجود آمده قطع خواهد شد. به طوری که اگر دو کشور ایران و ترکیه دارای روابط سیاسی حسنه باشند هرگونه همکاری را در تامین امنیت مرز مشترک به عمل خواهند آورد و به نفع هر دو کشور خواهد بود. مرزها تاثیرات مستقیم و گسترده ای برای استقلال و تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، امنیت داخلی، اوضاع اقتصادی، کنترل و حاکمیت هر دولت را به قلمرو و مردم خود نشان می دهند. مرزها دارای نقش ها و کارکردهای گوناگونی هستند و اگر چه از نظر تاریخی بهترین کارکرد مرز، جداکردن دو ناحیه سیاسی و دو گروه از مردم بوده و هست. اما با گذشت زمان و پیشرفت های به وجود آمده در عرصه های مختلف اقتصادی، سیاسی، فناوری و ارتباطات امروزه کارکردهای جدیدی برای مرزها تعریف شده است.

در یک نگرش کلی، کارکرد و نقش های مختلف مرزهای بین المللی را می توان در قالب دو گروه طبقه بندی کرد:

۱) کارکرد دفاعی-امنیتی مرز:

اگر به مرزها به عنوان پدیده ای نگریسته شود که قلمرو اعمال حاکمیت و قدرت حکومت بر مردم و منابع تحت نفوذش را تعیین کرده و در مقابل نفوذ، دخالت و استفاده حکومت و مردم کشور همسایه ممانعت ایجاد می کند. از این منظر مهم ترین کارکرد مرز ایجاد مانع و عامل بازدارنده است. بدین معنی که مرزها از ورود و خروج هر پدیده ای که در اعمال قدرت و حاکمیت آن کشوراخلال ایجاد کند، ممانعت به عمل می آورند(رحمتی راد، ۱۳۷۴:۸).

۲) کارکرد ارتباطی- تجاری:

دومین کارکرد مرز، که کاملاً در جهت مقابل کارکرد بازدارندگی قرار دارد، کارکرد ارتباطی مرز است. بدین معنی که برخلاف کارکرد بازدارندگی، که به عنوان یک مانع نگریسته می شود. در کارکرد ارتباطی، مرز به عنوان یک پل ارتباطی عمل می کند که تسهیل کننده ارتباطات تجاری، فرهنگی، توریستی و ... بین مردم دو کشور به ویژه مرزنشینان می باشد. بر این اساس برخلاف کارکرد بازدارندگی مرز که به دنبال تقویت قدرت نفوذ ناپذیری مرز می باشد و نگاه غالب به آن نگاه امنیتی- سیاسی است و از سوی دیگر نقش و کارکرد مرزها در همه مناطق جهان یکسان نیست و با توجه به شرایط و موقعیت های مختلف سیاسی، اقتصادی، جغرافیایی و ... نوع کارکرد مرزهای بین المللی نیز متغیر است.(همان منبع). به طور کلی عوامل ژئوپولتیکی مختلفی بر نقش و کارکرد مرزها تاثیر میگذارند، که از جمله می توان به مواردی چون: نظام های سیاسی کشورهای همسایه در دو سوی مرز، ویژگی های اقتصادی مرزنشینان، نوع نگرش و رفتار حکومت ها نسبت به مرز، ذخایر و منابع طبیعی موجود در منطقه مرزی، پیمان های سیاسی- نظامی کشورهای هم مرز با قدرت های فرامنطقه ای، بازیگران بین المللی، دیپلماسی و سیاست خارجی و... اشاره کرد.

امنیت:

امنیت به عنوان یک مفهوم اساسی در روابط بین الملل و یک ارزش حیات انسانی، از سوی دیگر است. در واقع نخست امنیت به منزله یک مفهوم تحلیل و تبیین مفهومی می شود. به گونه که مفهوم امنیت معناکاوی و تعریف شده و مشخصه ها و ابعاد مفهومی آن تشریح می شود(دهقانی، ۱۳۹۵:۱۰۷). معروف ترین و رایج ترین تعریف از مفهوم امنیت را سال ها پیش « آرنولد ولفرز» در چهارچوب پارادایم واقع گرایی، ارائه داده است که یک تعریف کلاسیک به شمار می رود. به نظر وی امنیت یعنی « نبود تهدیدها نسبت به ارزش های مکتسب و نبود ترس از آن که این

ارزش ها مورد تهدید قرار گیرد». از این رو امنیت ماهیت دوگانه عینی و ذهنی دارد، ترکیبی از یک وضعیت فیزیکی و یک حالت ذهنی و روانی است (همان، ۱۳۹۵: ۱۰۷).

مرز:

مرزها، دو ناحیه، منطقه، خط یا سرزمین همجوار را از هم جدا می کنند. در این بین مناطق مرزی و خطوط مرزی نقش جدا کننده واحدهای سیاسی را از یکدیگر بر عهده دارند. مناطق مرزی و خطوط مرزی موضوع های فراخوانده ای هستند که به آسانی می توانند احساسات ملی و وطنی را برانگیزند (پرسکات، ۱۳۵۶: ۶۰). بر این اساس مرزهای بین المللی به عنوان نقطه تماس میان کشورهای همسایه، در شکل دهی مناسبات سیاسی و اقتصادی آن ها نقش برجسته ای بر عهده دارند و به تبع آن شهرها و روستاهای مجاور مرزها ممکن است که با توجه به این که خط مرز موجب برهم زدن حوزه نفوذ طبیعی آن ها شده و یا برعکس نقش های جدیدی در خصوص عبور و مرور مرزی به آن ها داده شده، رو به زوال است (درايسدل واج بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱).

امنیت ملی:

در این سطح از تحلیل امنیت، ملت- دولت هم به عنوان یگانه هدف مرجع امنیت و هم تنها منبع و کاغزار امنیت ساز تصور و تلقی می شود. به گونه ای که فلسفه وجودی واحد سیاسی به نام دولت، تامین امنیت انسان ها و شهروندان است بوده است. چون گروه انسانی که در چهارچوب گروه های اجتماعی و واحدهای سیاسی مختلف گرد آمده بودند برای صیانت خود در برابر تعدی و تهدیدهای انسهان های دیگر، ملت-دولت را تشکیل دادند. از این رو هدف اولیه و اصلی و مهم ترین کارکرد ملت-دولت تامین امنیت شهروندان است.

ماهیت ملت-دولت به عنوان گروه و سازمان سیاسی تاممین کننده امنیت انسان ها، متضمن و مستلزم آن است که بقا خود را به صورت یک جامعه مستقل و دارای حاکمیت را تامین و تضمین کند. چون اگر حاکمیت، استقلال و آزادی عمل دولت به عنوان یک اجتماع مجزا به مخاطره بیفتد به مثابه تهدید بقا و حیات شهروندان است. از این رو یک تعهد و التزام امنیتی متقابل بین ملت-دولت و اتباع آن وجود دارد. دولت برای حیات از خود شهروندانش از حق استفاده مشروع از زور برخوردار است که به عنوان آخرین حربه و ابزار به آن متوسل می شود. هدف امنیت-دولت بازداشتن و جلوگیری از حملات ویرانگر علیه خود و شهروندانش است. لذا امنیت ملی عبارت است از توانایی دولت در صیانت از خود در برابر خطرات و تهدیدهای خارجی (دهقانی، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

نقش مرزها:

نقش مرزها ایجاد مانع در برابر حرکت انسان ها، اجناس و تفکرات است. درجه ای که هر مرز معین به روی چنین حرکتی تاثیر می گذارد، نفوذ پذیری آن مرز قلمداد می شود. نفوذ پذیری مرزها در

جهان متفاوت است و از کشوری به کشور دیگر فرق می کند. ارزیابی میزان نفوذپذیری به طور دقیق میسر نیست و انجام چنین کاری مستلزم داشتن اطلاعات دقیق است. مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط های گوناگون داخلی و خارجی از ویژگی های خاصی برخوردار است. داشتن مرزهای کنترل شده و مناطق مرزی بدون تنش و بحران در برقراری امنیت و اعمال حاکمیت دولت در هر کشور، نقش کلیدی و هدایت کننده ای داشته و از سو استفاده و دخالت دشمنان داخلی و خارجی می کاهد و برنامه ریزی برای تامین نابرابری و پیشگیری از عدم تعادل آن، امری اساسی و حیاتی برای نظام جمهوری اسلامی ایران به نظر می رسد.

بازیگران بین المللی:

بازیگران بین المللی که به نحوی مایلند قدرت فائدهای نسبت به بازیگران دیگر در عرصه بین المللی پیدا کنند که گروهی ابزار نظامی، گروهی ابزار اقتصادی، گروهی ابزار فرهنگی و گروهی موقعیت سیاسی را ابزار رسیدن به این منزلت می دانند. «کوئینز رایت» مدعی است تلاش برای پیشوایی در عرصه نظامی هر از چند دهه یک بار اتفاق می افتد کشوری که به این منزلت نائل آید قدرت فائده خواهد بود (سیف زاده، ۱۳۸۵: ۸۶). همچنین «مولسکی» مدعی است که بازیگران طی چند قرن اخیر عرصه بین المللی را عرصه رقابت در عرصه سیاسی می داند و گروهی دیگر از اندیشمندان قدرت فائده در نظام را عمدتاً اقتصادی می دانند که به وسیله آن برای پیشوایی نظام بین المللی مطلوب نمود و عده ای از اندیشمندان تلاش برای پیشوایی جهانی راهی است که از طریق فرهنگ امکان پذیر می شود که این تفسیر از روابط بین الملل توسط «رابرت کاکس» مطرح شده است.

پس می توان این گونه قلمداد نمود که کشوری که از لحاظ نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی صاحب قدرت باشد، می توانند به عنوان بازیگر بین المللی قد علم کند و به ایفاء نقش بپردازد. و کشورهایی همچون آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و روسیه که از لحاظ عناصر قدرت در جامعه بین المللی برخوردار بوده، از بازیگران بین المللی مطرح می باشند که با قدرت نظامی خود به کشورهای ضعیف هم چون ویتنام، افغانستان و عراق حمله ور شده و اهداف خود را با حمله نظامی به کرسی می نشانند و حتی از لحاظ اقتصادی هم از ابزار تحریم استفاده نموده و کشورهایی هم چون ایران و کره شمالی که به خواسته های آن ها تن نمی دهند، با تحریم تحت فشار قرار می دهند و با استفاده از کودتای نظامی و مخملی و وارد نمودن فرهنگ غربی خود، افکار و اندیشه های خود را در سایر کشورها پیاده می نمایند و به دنبال هر کودتایی آمریکا و انگلیس در پشت پرده آن به نوعی دخیل بوده است و برای رسیدن به تهداف خود از بازیگران منطقه ای که دست پرورده

خودشان است بهره می جویند و کشورهای خاصی را همراه خود می سازند که در منطقه خاورمیانه، کشورهای هم چون رژیم صهیونیستی و عربستان از آن جمله اند.

این بازیگران بین المللی به نحوی امنیت هر کشوری را که با آن ها همراه نبوده، مورد تهدید قرار داده و عواملی و پدیده های که امنیت یک کشور را با خطر مواجه می سازد می توان نام برد:

۱- ظهور و توسعه ایدئولوژی که مخالف ایدئولوژی حاکم کشور باشد. ۲) کثرت و انفجار جمعیت همسایه (همسایه دشمن). ۳) پیشرفت اقتصادی و مازاد تولید به کشور همسایه (همسایه دشمن). ۴) اتکا اقتصادی، فنی، نظامی زیاد به کشور حامی. ۵) عدم ثبات اجتماعی. ۶) ضعف و کوچکی از نظر قدرت. ۷) موقعیت مساعد جغرافیایی. ۸) افزایش قدرت نظامی کشور دشمن (همان، ۱۳۸۵: ۱۶۳).

همین بازیگران بین المللی برای پیشبرد اهداف خودشان بازیگران غیر دولتی را پرورش می دهند که روابط بین دولت ها را تحت تاثیر خود قرار می دهند (القاعده، پژاک، پ.ک.ک، داعش و ...). به گونه ای که بازیگران بین المللی غیر دولتی عبارت است از: سازمان هایی که به جامعه مدنی، اقتصاد، بازار، حوزه سیاسی تعلق دارند و حوزه دو یا چند کشور فعالیت می کنند و بر نتایج بین المللی تاثیر می گذارند. از این رو بازیگران غیر دولتی شامل مجموعه ای از بازیگران بین المللی می شود اعم از این که تامین کننده خدمات مولد و مقید عمومی باشند و یا مشغول فعالیت های خشونت آمیز و مخرب باشند (دهقانی، ۱۳۹۵: ۶۸).

بازیگران بین المللی برحسب تاثیرگذاری و قدرت نظامی در روابط بین دولتی و تعاملات سیاسی و نظامی صرف در سطح بین المللی تعریف نمی شود. بازیگری بین المللی به معنای توان هرگونه نقش آفرینی و تاثیرگذاری برابعد و حوضه های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی و روابط بین الملل به طور عام است. بازیگران بین المللی و غیر دولتی با توجه به ماهیت و توانایی های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی خود ممکن است در یکی از این حوضه های موضوعی نقش آفرینی تاثیر گذار باشد. بازیگران غیردولتی یا فراملی به گونه ها و انواع مختلفی تقسیم میشوند. هر یک از این بازیگران در سطوح ملی یا فراملی به صورت مستقیم و غیر مستقیم به فعالیت و نقش آفرینی روابط بین الملل می پردازد. به طور کل غیردولتی را می توان در سه دسته سازمان های بین المللی دولتی، سازمان های بین المللی غیر دولتی و شرکت های چند ملیتی تقسیم و تبیین کرد. هر یک از این بازیگران در سطوح و حوضه های مختلف فعالیت و تاثیر دارند (همان، ۱۳۹۵: ۶۹).

سیاست نه شرقی و نه غربی به عنوان کلان جمهوری اسلامی در حوضه ی روابط خارجی در تئوری و عمل یعنی عدول از قواعد خاص میان بازیگران روابط بین الملل و نوعی جهت گیری رفتار سیاسی

بی سابقه و تکاپوی استقلال طلبانه است. به تعبیر بنیانگذار جمهوری اسلامی وابستگی به غرب را دنبال میکند و نه خط مشی است در جهت وابستگی به ابرقدرت شرق، در عین حال جمهوری اسلامی در سیاست و روابط خارجی خود نه باور به خصومت دارد و نه با شرق دشمنی میورزد بلکه سیاست نه شرقی و نه غربی بیانگر این است که روش و شیوه ما در سیاست خارجی نه به صورت روش شرقی هاست و نه غربی ها. ما نه با آمریکا کار داریم و نه با شوروی، ما خودمان هستیم. ما می‌خواهیم مستقل باشیم. ما روابط بین ارباب و رعیت و وابستگی را نمی‌خواهیم. زیرا که وابستگی به هر شکل سیاسی و اقتصادی جلوه‌ای از عدم استقلال است (امام خمینی، ۱۳۶۹: ۱۴۴-۲۲۰).

همگرایی منطقه ای :

همگرایی عبارت است از فرایندی که طی آن واحدهای سیاسی به صورت داوطلبانه از اعمال اقتدار تام خویش برای رسیدن به هدف های مشترک صرف نظر و از یک قدرت فوق پیروی می کنند. (قوام ، ۱۳۸۰: ۲۴۸). یکی از ویژگی های روابط بین الملل پس از جنگ جهانی دوم ، رشد و توسعه همگرایی منطقه ای در چارچوب منطقه گرایی و منطقه شدن بوده است. این پدیده که نخست در اروپا آغاز شد پس از فروپاشی شوروی و پایان نظام دو قطبی تشدید و تقویت شده است به گونه ای که هم گرایی منطقه ای و منطقه ای شدن در اثر شدن یافتن جهانی شدن ، فراتر از مناطق توسعه یافته در مناطق در حال توسعه نیز به صورت یک الگوی تعامل در آمده است. از این رو ، منطقه ای شدن ، منطقه ای گرایی و هم گرایی منطقه ای که روزگاری در قالب همگرایی اروپایی تعریف میشد ، امروز فراتر از اروپا رفته و در ساختارها و سازمان هایی چون اتحادیه آفریقا و آسه آن ، اکو ، نفتا و سازمان کشور های آمریکایی تجلی و تبلور یافته است (دهقانی ، ۱۳۹۵: ۱۷۵).

همگرایی منطقه ای به معنای عام و جامع فرایندی می باشد که دویا چند ملت _ کشور مستقل و با داشتن حاکمیت در یک موقعیت جغرافیایی برای دستیابی به منافع مشترک در خصوص مسائل اقتصادی ، سیاسی ، فرهنگی ، امنیتی و اجتماعی با همکاری و تصمیم گیری های مشترک به توافق برسند و در رشد هنجارها و قواعد و توافقات رسمی به نتایج مطلوب رسید .

انواع همگرایی منطقه ای :

هم گرایی منطقه ای پدیده ای چند بعدی و چند وجهی است و میتوان به چهار گونه ی اقتصادی ، سیاسی ، امنیتی و فرهنگی _ اجتماعی تقسیم کرد :

- همگرایی اقتصادی :

همگرایی اقتصادی منطقه ای فرایندی است که طی آن کشورهای مختلف در یک توافق با کاهش و رفع موانع و محدودیت های تجاری و اقتصادی موجود بین خود با تصمیم گیری و مدیریت مشترک دارای ها و منابع سیاست های تجاری ، مالی و پولی خود را هماهنگ کند . تعرفه ی گمرکی به معنای

عوارض وضع شده بر واردات کالا، سرمایه و خدمات با سهمیه بندی به معنای محدودیت های اعمال شده بر میزان و حجم واردات و محدودیت ها و کنترل های مرزی از جمله این موانع هستند (دهقانی، ۱۳۹۵: ۱۷۸).

- همگرایی سیاسی :

همگرایی سیاسی عبارت است از تلاش و همکاری کشورهای یک منطقه برای تقویت، تحکیم و حراست از ارزش های مشترک، ارتقا و افزایش اعتبار وجه ی بین المللی و ایفای نقش موثرتر سیاسی و دیپلماتیک در عرصه ی بین المللی است. دیدگاه های مختلفی در مورد ماهیت و نهایت همگرایی سیاسی منطقه ای وجود دارد. (۱) همگرایی سیاسی منطقه ای معطوف به تغییر رویه ی تصمیم گیری سیاسی از یک جانبه به چند جانبه. (۲) تصمیم گیری سیاسی مشترک متضمن ومستلزم همکاری و اقدام مشترک کشورهای منطقه. (۳) تعاملات مبادلات و ارتباطات منطقه ای فیزیکی دیگر از وجوه و ویژگی های سیاسی منطقه ای. (۴) وجود نهادها، سازوکارها و ابزارهای منازعات و مدیریت مسائل و موضوعات منطقه ای نیز از ملزومات همگرایی سیاسی منطقه ای است. (۵) احساس تعلق به یک منطقه با مسائل و منافع مشترک و انتقال حداقل و حداکثری از وفاداری منطقه ای و نهادهای آن یکی دیگر از مختصات هم گرایی سیاسی منطقه ای است (همان، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

- همگرایی امنیتی :

همگرایی امنیتی در واقع از هم گرایی سیاسی در سطح بالا قرار دارد به گونه ای که با توسعه و تحکیم همگرایی سیاسی و همکاری ها بین کشورها با اتخاذ تصمیم های مشترک باعث ایجاد همگرایی امنیتی شده و همگرایی امنیتی نیز به نحوی در همگرایی اقتصادی و همگرایی اجتماعی تاثیر گذار می باشد. و همگرایی امنیتی باعث کاهش تهدیدات امنیتی شده از این رو به برقراری روابط و تعامل مثبت و سازنده و فراگیر مدون بین دولت های همسایه باعث تامین امنیت شده و امنیت به همراه خود، امنیت درونی و امنیت بیرونی را به همراه خواهد داشت (همان، ۱۳۹۱: ۱۸۰).

- همگرایی فرهنگی و اجتماعی :

فرایندی است که تفاوت ها و تمایزات فرهنگی میان کشورها، ملت ها، منطبق و افراد را در هر دوسوی کشور همگن و همگون میسازد و در نوار مرزی به علت یکپارچه و منسجم بودن فرهنگ مرزنشینان با یکدیگر وابستگی های متقابل با هم می توان در جهت ارتباط میان دولت ها از همگرایی فرهنگی و اجتماعی به نفع کشورهای همجوار بهره جست. همگرایی اجتماعی که با خودش امنیت اجتماعی به دنبال خواهد داشت آرامش و آسودگی خاطر را که جامعه برای اعضای

خود ایجاد می کند یکی از خصایص اصلی این نوع امنیت آن است که جامعه مسئول به وجود آوردن آن است و جوامع مرزی که درنوار مرزی ساکن هستند به نوعی بر یکدیگر تاثیرگذار هستند و اگر امنیت در جامعه به صورتی باشد که انسان ها نتوانند نمودار آینده خود براساس گذشته خویش ترسیم کنند، رشد و توسعه امکان پذیر نخواهد شد و به دولت مرکزی هم تاثیرگذار خواهد بود و زمینه ساز ظهور بازیگران بین المللی فرامنطقه ای و منطقه ای را قوت میبخشد.

دیپلماسی و سیاست خارجی :

کشورها برای تعقیب و تامین منافع و اهداف سیاست خارجی خود از ابزارهای مختلفی استفاده میکنند این ابزارها معمولا شامل ابزار های سیاسی _دیپلماتیک، اقتصادی ، تجاری و نظامی _امنیتی می شود که دستگاه ها و نهادهای مختلفی درحکومت متولی آن هستند با این حال ، درنظام بین المللی موجود یکی از مهم ترین واصلی ترین ابزارهای سیاست خارجی دیپلماسی است .دیپلماسی فن و هنر حل و فصل صلح آمیز مسائل ومشکلات بین المللی و اختلافات کشورها به صورت مسالمت آمیز است.دیپلماسی ابزاری است که کشورها حقوق و اهداف خود را برای دیگران طرح نموده و ابزاری برای مصالحه و سازش بوده و در واقع اجرای ساست درعرصه بین الملل می باشد .

انواع دیپلماسی :

۱- دیپلماسی امنیتی و دفاعی :

مهمترین کارکرد ودستور کار دیپلماسی کلاسیک و سنتی تامین امنیت ملی از طریق حفظ صلح وفراپند ائتلاف سازی می باشدبه نحوی که دیپلمات ها به صورت دو وچند جانبه با مذاکرات قواعد وهنجارها و اصول ونهادهای حافظ صلح را تدوین نموده واز وقوع جنگ جلوگیری نمایند.موضوع تامین امنیت ملی و بقاء در صدر اولویت ودستور کار دیپلمات بوده وتامین امنیت وبقاءمهمترین هدف دیپلماسی کشورها به شمار میرود .لذا دستور کار دیپلماسی امنیتی -نظامی نیز تحول یافته وتغییر کرده است ،بکارگیری مسالمت آمیز ظرفیت ها وقابلیت های نظامی در دیپلماسی دفاعی _نظامی آن را از استفاده خشونت آمیز آن در چارچوب جنگ متمایز می سازد.

دیپلماسی امنیتی میتواند بستری مناسب جهت رشد وتعالی انسانها ،توسعه ی اقتصادی وفرهنگی وثبات اقتصادی واجتماعی به همراه آورد . حیاتی ترین هدف ومنفعت یک واحد ملی در صحنه ی بین المللی است واصولا هرنوع برنامه ریزی وحیات اجتماعی انسان بدون برخورداری ازامنیت متصور نیست ودیپلماسی امنیتی اگر به نحو احسن در نظر قرار نگیرد می تواند منجر به تهدید شود .تهدید علیه امنیت را میتوان به تهدیدهای خارجی وداخلی تقسیم کرد .ولی لیکن تعیین دقیق خارجی یا داخلی بودن برخی تهدیدها بسیار دشواراست زیرا این دونوع تهدید غالبا با یک دیگر پیوند دارد

باوجود این می توان تهدیدهای خارجی علیه امنیت ملی را چنان بر شمرد که از جمله: تهاجم نظامی ، مداخله نظامی آشکار، خودکامگی دولت ها ، جنگ قدرت توطئه یا دسیسه ، براندازی ، برتری جویی نظامی و مسابقه تسلیحاتی ، عملیات پنهان سیاسی ، اختلافات مرزی ، تبلیغات خارجی ، دخالت در امور داخلی کشورها ، نفوذ، تروریسم ، کودتا ، براندازی ، بحران سیاسی واجتماعی ، مناقشات داخلی و بین المللی (لرنی ، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

دیپلماسی دفاعی که همان دفاع غیرنظامی می باشد با استفاده از خط مشی دفاعی سنتی وکنش های غیرنظامی است که دولت به منظور تضمین ظرفیت تام آن برای بقاء به عنوان موجودی سیاسی در جهت تاثیرگذاری وانجام اهداف ملی و بین المللی به کار می بندد. دفاع غیرنظامی ، آن قسمت از خط مشی حکومت است که هدفش ایجاد شرایط سیاسی ،ملی و بین المللی مساعد برای حفاظت یا گسترش ارزش های ملی بنیادین و اساسی علیه مناقشات موجود و بالقوه است ارزش های ملی بنیادین می تواند شامل ملاحظات امنیتی و ملی سنتی ، از قبیل استقلال و تمامیت ارضی وهمچنین موضوعاتی باشد که اهمیتشان با ظهور مشارکت سیاسی مردمی و آزادی سیاسی فزونی یافته است. حضرت امام خمینی (ره) می فرماید : اگر دشمن به شهرها و مرزهای مسلمانان هجوم آورد به همه ی مسلمانان دفاع از این حمله به هر وسیله ای که ممکن باشد واجب است خواه باجان یا مال و دراین امر نیاز به اجازه حاکم شرع و حضور امام نیست (امام خمینی ، ۱۳۶۹: ۴۸۵).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی برای حفظ مصالح دولت اسلامی وکسب استقلال برنامه ریزی شده است این استقلال زمانی امکان تحقق دارد که ایران از جنبه سیاسی تابع شرق و غرب نبوده و از بعد اقتصادی درنظر و عمل و همزمان الگوهای توسعه سرمایه داری و راه رشد غیر سرمایه داری سوسیالیستی را رد و طرح نمایند .البته تاکید بر قطع وابستگی را نباید به معنای قطع رابطه با خارج تلقی کرد بلکه تنها نپذیرفتن سلطه آمریکا و شوروی است .بدین خاطر رهبر انقلاب به نخبگان سیاسی و کارگزاران حکومتی توصیه می کند : «مراقب باشید که سیاست بازان پیوسته به غرب و شرق و وسوسه های شیطانی شمارا منحرف نکنند ، نه منحرف به چپ باشید که دیکتاتوری به تمام معنا است و نه منحرف به غرب باشید که ظلم وستم و به اسم حقوق بشر ، برای همه حقوق بشر است (ازغندی، ۱۳۹۱: ۵۲). هرچند کشورهای جهان سوم با پایان یافتن سلطه ی رسمی استعمار به استقلال سیاسی دست یافته اند اما نئومارکیست ها ادعا می کنند که این کشورها کماکان تحت سلطه ی سیاسی ،اقتصادی و فرهنگی کشورهای غرب قرار دارد(آلوین ، ۱۳۹۰: ۶۵).

کشور ترکیه که عضو ناتو بوده در راستای تعادل در قدرت منطقه ای توان بازدارنده ی موشکی ایران می توانند نقش بسزایی داشته باشد هرچند استفاده از دیپلماسی امنیتی ونظامی در منطقه سوریه وعراق باعث برجسته شدن داعش از منطقه شده است اما با پخش شدن این گروهک تکفیری در

سراسر جهان به ویژه در نوار مرزی ایران و ترکیه به عنوان (پژاک، پ.ک.ک) در ایجاد ناامنی و ضربه زدن به نحوی اقدامات ایزایی خواهد داشت و کشورهای غربی نیز در طول ۴۰ سال اخیر با عناوین مختلف گروهک های مختلف را پرورش دادند که می توان با نام های طالبان، القاعده و النصره نام برد و در این اواخر گروهک داعش که خسارات جانی و مالی فراوانی را به وجود آورد و جهان اسلام را از مسئله ی مهمی چون رژیم صهیونیستی که یکی از چالش های مرزی می باشد با ایجاد تفرقه میان مسلمین به دنبال اهداف خودشان بوده اند و هستند .

۲- دیپلماسی اقتصادی :

با انقلاب ارتباطات و اطلاعات و فرآیند جهانی شدن در دهه ی ۹۰ قرن بیستم و توسعه و گسترش آن در دهه ی نخست قرن بیست و یکم ، روابط و مناسبات بین المللی وارد مرحله ی نوینی شد. جهانی شدن سازمان و ساختار و روابط اقتصادی بین المللی را دگرگون ساخته و ماهیت سیاست و حکومت در کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. شبکه ای از روابط درهم تنیده و انواع مختلفی از وابستگی های متقابل و بازیگران فراملی و فروملی را پدید آورده است که حاکمیت و کارکردهای انحصاری دولتها را به چالش طلبیده اند. آنان در عرصه سیاست فرا بین المللی و روابط فرا سرزمینی نسبت به منافع ، سرمایه و بازار ادعای مشروعیت دارند. امروزه تدبیر و تنظیم روابط و امور اقتصادی - تجاری به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد و وجوه دیپلماسی در قالب دیپلماسی اقتصادی بازرگانی ضروری و حیاتی می باشد در همین راستا نیز دیپلماسی بازرگانی نیز ناظر به اقدامات دیپلماتیک در حمایت از بخش های بازرگانی ، تجاری و مالی در جهت تامین دستاوردهای اقتصادی و توسعه ملی می باشد. هدف دیپلماسی بازرگانی افزایش و توسعه ی صادرات و تسهیل واردات سرمایه گذاری خارجی ، گشودن بازارهای خارجی از طریق تاثیرگذاری بر سیاست های اقتصادی ، تجاری و بازرگانی سایر کشورهای منطقه است (دهقانی، ۱۳۹۵: ۲۱۳). یکی از مهم ترین عوامل موثر بر کارکرد مرزها ، نوع نظام های سیاسی در دو کشور همسایه و به تبع آن ، نگرش آنها نسبت به یکدیگر و نوع روابط آنهاست. دولتها به عنوان نماینده ملت و کشور خود ناگزیر از رابطه بایکدیگرند. از دیرباز این رابطه براساس نیازهای متقابل به ویژه در حوزه های تجارت و اقتصاد وجود داشته و امروزه بالاترین حجم و تنوع ارتباطات بین دولتها نسبت به گذشته وجود دارد به گونه ای که کشوری نمیتواند ادعا کند بدون رابطه با دیگران ، بتواند به حیات خود ادامه دهد (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۵۵).

یکی از تکنیک های موثر در اجرای سیاست خارجی برای تحقق هدف ها و تامین منافع ملی ، استفاده از ابزارهای اقتصادی ، مالی و تجاری و فناوری است. مسلماً بهره گیری از حد به مزبور علی الاصول می باید در چهارچوب دیپلماسی و سیاست خارجی دولتها صورت پذیرد. در این راستا دولتها سعی میکنند دیگر دولتها را به تغییر در رفتارهای سیاست خارجی وادار کند، به گونه ای که

دگرگونی های حاصل در داده های سیاست خارجی دیگران، منافع دولت استفاده کننده را از ابزارهای مورد نظردرپی آورد(قوم، ۱۳۹۰: ۲۱۸).

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران براساس قانون اساسی مختلط بوده و از ۳بخش دولتی، خصوصی و تعاونی تشکیل یافته است اما این ۳بخش در توازن نبوده اند و فعالیت اقتصادی دولت و نقش دولت در اقتصاد با مشکلاتی روبرو شده است درحالی که در دهه های اخیر در مورد سیاست خصوصی سازی قدم هایی برداشته شده است اما مفید نبوده است و اقتصاد ایران بر نفت تکیه زده است که این موضوع بسیار خطرناک است. اما بخش خصوصی در اقتصاد ترکیه تقویت و توسعه یافته است و بازاریابی منطقه ای و جهانی ترکیه به مراتب بهتر از ایران بوده و هست که در صنعت پوشاک -مواد خوراکی، ظروف شیشه ای و چینی جات در جهان و منطقه حرفی برای برای گفتن داشته است و بازار ایران را اجناس ترک به همراه اجناس چینی و کره ای تسخیر شده است. لذا اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران همانند سایر کشورها، توسعه اقتصادی، رفاهی، تکنولوژیک است زیرا تامین رفاه و وضعیت اقتصادی مطلوب علاوه بر افزایش قدرت اقتصادی کشور شرط لازم و ضروری برای توسعه توان قدرت نرم افزاری کشور محسوب می شود و از نظر عملی و نظری ۳مدل توسعه درون گرا، برون گرا و مختلط قابل شناسایی است که اتخاذ هر یک از آنها سیاست خارجی خاصی را ایجاد می کند. زیرا راهبرد و سازوکارهای تحقق هر الگوی سیاست خارجی خاصی ایجاد میکند. زیرا راهبرد و سازوکارهای تحقق هر الگوی توسعه، با توجه به ماهیت آنها، بانوع خاصی از سیاست خارجی تناسب و هماهنگی دارد (دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۰۷).

۳- دیپلماسی سیاسی :

دیپلماسی سیاسی که ارتباط و مذاکره دو کشور برای مدیریت، توسعه و تعمیق روابط متقابل می باشد. این نوع دیپلماسی به دنبال برقراری روابطی است که بقا و امنیت کشور را ارتقا داده و به روابط استراتژیک تبدیل میکند. دیپلماسی سیاسی می تواند دوجانبه یا چندجانبه باشد و یا در سطح بین الملل و منطقه ای مورد استفاده قرار گیرد که نقش دیپلماسی سیاسی جهت جلوگیری از شکل گیری تهدیدات برای هر کشوری از اهمیت مهمی برخوردار بوده و در جهت خنثی سازی تهدیدات قبل از عینیت یافتن و عملی شدن می باشد که نمونه بارز آن دیپلماسی سیاسی مابین ایران - ترکیه و عراق در خصوص فراندوم در اقلیم کردستان عراق که روابط دیپلماتیک و جلسات پی در پی در میان سران این کشورها این توطئه غربی، صهیونیستی با اقدامات پیشگیرانه و بازدارنده همه جانبه و چند بعدی و استفاده از ابزارهای قدرت که یک تهدید منطقه ای محسوب میشود، سرانجام نتیجه ای حاصل نشد. سیاست خارجی ارزشها و منافع درون سرزمینی و خودنگراست که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک دولت - ملت جهت صیانت و سعادت خود در تعامل و رقابت با بازیگران بین المللی

پیشگیری می کند. به عبارت دیگر، اهداف ملی سیاست خارجی برای حفظ، افزایش ارزشهای مکتسب، دارایی ها و مایملک جمهوری اسلامی ایران در مناسبات و تعاملات بین المللی تعقیب میگردد و اهدافی که مستقیماً منافع ملی ایران را تامین میکند میتواند به بقاء و امنیت ملی، استقلال و حاکمیت ملی، کسب و افزایش قدرت ملی، توسعه و رفاه اقتصادی و اعتبار و وجه مثبت بین المللی اشاره نمود (دهقانی، ۱۳۹۲: ۱۴۸).

از دیگر عوامل موثر بر کارکرد مرزها، وجوه پیمان های سیاسی از طریق دیپلماسی سیاسی صورت گرفته کشورهای منطقه به دلیل ضعف قدرت علمی با قدرت های فرمانطقه ای پیمان های سیاسی - نظامی منعقد می کنند و بدین ترتیب زمینه را برای دخالت در کشور مذکور و حتی مناطق مرزی کشور مجاور فراهم می کنند و این مسئله وقتی حساس تر می شود که منافع دو کشور همسایه در تقابل با یک دیگر قرار داشته باشد از این رو بخواهند در کشور مقابل ایجاد ناامنی بکنند. ایران، در منطقه ای قرار گرفته که از دیرباز منطقه ی حضور و رقابت قدرت های فرمانطقه ای محسوب شده است نفت و گاز، ویژگی های ژئواستراتژیک و برخی علایق مذهبی، زبانی، فرهنگی زمینه اصلی حضور قدرت های فرمانطقه ای در خلیج فارس، قفقاز، آسیای مرکزی، منطقه آناتولی و پاکستان و افغانستان بوده است براین اساس حداکثر تراکم حضور قدرت های بزرگ در جهان را می توان در مناطق پیرامونی ایران جست و جو کرد (کریمی پور، ۱۳۸۱: ۳۰).

اگر کشورهای پیرامونی ایران از نظر سیاسی نوپا محسوب می شوند به طوریکه به غیر از روسیه و ترکیه، عمرتاسیس آنها به یک قرن هم نمی رسد و امیرنشین های خلیج فارس به جز عربستان از نیمه دوم قرن گذشته به استقلال دست یافته اند و کشورهای شمالی ایران که شامل آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان نه تنها در سال ۱۹۹۱ میلادی به نقشه ی جغرافیایی سیاسی ظاهر شده اند. نوپویایی این کشورها نوعی وابستگی به قدرت های منطقه ای و فرمانطقه ای را فراهم ساخته که منجر به انعقاد پیمان های سیاسی و نظامی بین این کشورها و قدرت فرمانطقه ای شده و زمینه برای دخالت رادر امور داخلی کشورها فراهم می سازد حضور قدرت های فرمانطقه ای به ویژه آمریکا، انگلیس و کشورهای منطقه ای از جمله اسرائیل - عربستان با توجه به سابقه دشمنی و خصومت آنان با جمهوری اسلامی ایران بدون شک تاثیرات منفی بیشماری به امنیت ملی ایران به طور عام و امنیت مناطق مرزی به طور خاص خواهد داشت و رژیم صهیونیستی که دشمن اصلی خود را ایران اسلامی و حزب الله لبنان دانسته و رژیم آل سعود در عربستان به فکر آن بوده که خودش در منطقه قدرت اول باشد و افکار و اندیشه های تکفیری خود را گسترش دهد به نحوی با تنظیم قراردادهای نظامی در مقابل جمهوری اسلامی ایران به هرنحوی عرض اندام می نماید و با سرمایه گذاری های مختلف و حمایت های پولی و مالی از گروهک های مخالف جمهوری اسلامی ایران و تحریک قومیت ها

وایجاد ناآرامی و نفوذ راهبرد جدید کشور عربستان به همراه آمریکا و اسرائیل و انگلیس علیه ایران بوده است. ویکی از راهبردهای جدید موسسات استراتژیک آمریکا برای پروسه‌ی براندازی جمهوری اسلامی ایران برنامه‌ریزی شده است.

هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران عمدتاً در پرتو مواضع سلبی، نقیضی و واکنش در برابر یک «دگرادیکان خارجی به نام آمریکا معنا می‌یابد از نظرگاه گفتمانی، آمریکا برای سیاست خارجی ایران هم درد است و هم درمان، هم هویت سازاست و هم هویت سوز، به تعبیر دیگر، گفتمان انقلاب اسلامی با گفتمان سلطنت‌غیریت‌سازی و گفتمان جمهوری اسلامی با گفتمان غرب (حقیقت، ۱۳۹۴: ۶۴۴).

ایران در منطقه‌ای حساس و مهم استراتژیک واقع شده است و ایران از قدیم‌الایام مورد چشم طمع خارجی‌ان بوده است پرتغالی‌ها در سال ۱۵۰۶ میلادی به هرمز حمله کردند و قسمت اعظم جزایر سواحل خلیج فارس تحت حاکمیت خود درآوردند و بعد از پرتغالی‌ها کشور انگلیس به عنوان پادشاه کمک به ایران از امتیازات تجاری متعددی در خلیج فارس بهره‌جست و سپس هلندی‌ها در منطقه خلیج فارس حضور یافتند اما انگلستان رقیب اروپایی خود را از خلیج فارس بیرون راندند و بایبیدایش نفت قدرت‌های جدیدی همچون آمریکا و آلمان و فرانسه وارد صحنه می‌شوند و از طرف دیگر روس‌ها از طریق شمال ایران و با سیاست دست‌یابی به آب‌های آزاد خاک ایران را تسخیر نموده و ایران به عرصه‌ی قدرت‌های بزرگ اروپایی تبدیل شده و حیات سیاسی و اقتصادی آن تحت فشارهای متعارض قدرتهای استعماری قرار گرفت. و هرآنچه که می‌خواستند انجام دهند در ایران انجام دادند کودتا، نسب و عزل پادشاهان و نخست‌وزیران و نفت را به آن نرخ که خودشان می‌خواستند می‌خریدند و مبلغ ناچیزی به ایران می‌دادند دولت مردان ایران در طول تاریخ حق اظهار نظر نداشته، اینکه مصدق با ملی کردن صنعت نفت ایران و طرح دعوی علیه انگلستان و محکوم نمودن بریتانیای کبیر در شورای امنیت، این استعمارگر پیردرجهت انتقام‌گیری با کودتا دولت مصدق را سرنگون نمود و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران کشورهای غربی از همان بدو تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران طبق نفاق و جنگ را به صدا آورده و با حمایت از گروهک‌های ضدانقلاب و ترور شخصیت‌های سیاسی و انقلابی کشور و تحمیل نمودن ۸ سال جنگ تحمیلی و هجمه‌ی عظیم تهاجم فرهنگی و موادمخدر و مشروبات الکلی از یک سو و تحریم‌های اقتصادی از سوی دیگر در سده‌ی چهارم جمهوری اسلامی ایران بوده و در دهه‌ی ۹۰ با پروردان داعش در منطقه در مرحله اول تقسیم کشورهای عراق و سوریه به کشورهای کوچک بوده و در مرحله دوم ضربه زدن به ایران از طریق این گروهک بسیار خطرناک و تکفیری بوده است و از طرف دیگری یک سری از کشورهای منطقه‌ای در کنار کشورهای فرامنطقه‌ای در مقابل جمهوری اسلامی ایران و قدرت نرم

ایران قدم هایی برداشته که کشور عربستان سعودی، اردن، امارات می توان نام برد و در حمایت از گروهک تکفیری داعش کشور ترکیه هم پیاله غرب بوده اما در اواسط کار و بعد از کودتای نافرجام ترکیه سیاست مداران ترک به سمت روس و ایران تمایل پیدا نمودند و از حمایت های آشکار و پنهانی خود از این گروهک ها دست برداشتند در واقع ترکیه به دنبال منافع خود قدم برمی دارند و در مسیری حرکت میکنند که منافع کشورشان تامین شود که دولت مردان جمهوری اسلامی ایران در دیپلماسی سیاسی می بایستی مدنظر خود قرار دهند.

۴- دیپلماسی فرهنگی اجتماعی:

توسعه و تحولی سابقه فناوری، ماهوارها، اینترنت، رسانهها، تباطا تا راه دور به نوبه خود باعث کلنگری دیپلماسی فرهنگی اجتماعی شده است و به خاطر نبودن مرز این نوع دیپلماسی سرعوت و انبساط یافته و مخاطبین خود را تحت تاثیر قرار داده و تحرک باز یگر انبساط ملی و منطقه ای را با لایه های دو این نوع دیپلماسی که رسانهها از جمله یکبارگی مسائل مهم بوده است که به نوبه خود در فرهنگ و عقاید کشور مقابل میتواند اثر گذار باشد و از اینها یفرهنگی ما بین کشورها همسایه همفید و مثر ثمر خواهد بود.

تقریباً هم میرفتار

اجتماعی به طور بالقوه تحت تاثیر تباط و جمعیت را در دوار تباط و جمعیت را ایچنانقدر تیهستند که میتوانند نسلی تا ز هایر ایو لینار در تاریخ انسانید آورهو با سایر نسلها متفاوت باشد در واقع رسانهها به عنوان نظامی که با عاصی جامعه عمل میکند و نقش کلیدی در تغییر رفتار انسانید داشته است و تکیه بر نقشها و کار بردها یا اجتماعیسایر تباط و جمعیت در جهان سو متاثر فراوانی باقی گذاشته است و کانالها ی تلویزیونیتر کیه که هفر او انبو ده کهها از آن جمله

Lider.Stid.Atv.DtvAtv.Gonaz.star

اشاره نمود که به خاطر برنامها یتر کیه که دار ندبر ایسا کنانشمال غرب کشور دار ایطر فدار انیبو دهو حتی کانالها ی تلویزیونی عراقبانامهای MtvT.Kurdstantv.Noroz که به همراه شبکهها یا حزاب مخالف جمهوری اسلامی ایران به پخش برنامها ی خود میپردازند این شبکهها ضامن بنیاسیاستها ی دولتها ی خود به تر و یجفساد و ببیند و بار یو ابتدالفرهنگی و نقد

غیر از این شبکهها ی تلویزیونی به علت چاقا گیری ندهها ی ماهوارها یا از مرز عراق و

رواجا ی نگیر ندهها در نوار مرز یوانتقالآنیه سایر استانها ی کشور با حمایت غریبه پخش برنامها ی سیاسی، فرهنگی و آراذ هیعقا ی ضد انقلابی خود بود و تر و یجا بتدالو تهها جمفرهنگی را به

همراه داشته است هر چند حضور این رسانهها در جریان توسعه فرهنگی جوامع، فرصت

ها یجدید را بر ایپذیر شنقشها یفرهنگی پدید میآورد، اما نگرانیها ییرانیز در این حوضهها منزه است نگرانیها ی موج و در خصوص نقشرسانهها جمعیدر حوضه فرهنگ و امنیت، گاهتا حدیاست کهها ی فنناوریها یار تباطی را پدید میآید و در فرهنگ قلمداد کردهاند (ماهز، ۱۳۸۵: ۴۰)

برای اساس اطلاعات سانیبه و عامل "رضایت شهروندی" و "کارکرد دولتی" در امنیت داخلی تاثیر مثبت میگذارد. و میتواند فعالیت امنیتی ساز برای نظام تلقی شود. از سوی دیگر، رسانهها یملیبا اطلاعات سانیکسترده و مناسبها تقایس طحدانشوفر هنگدر جامعهمککرد هوبها اینوسیلهبستربروز بسیار یاز نا امنیهارا کهریشهدر توسعه نیافتگیفره نگمیلیدار داز بینمیرند

شباهتها یفر هنگیوقومیتیمیانایرانوترکیهها یندور ابهدوروییکسکهدلکردهاست، با اینتفاوتکهاراندر حالحاضرداراییکحکومت مذهبیبودهور هبر شیعیاندر جهاناسلام محسوبمیشود، ایندر حالیاستکه حکومتترکیهبر پایه یکقانوناساسیسکولاریناشد هکهربراسلام سنتیتکیهدارد. همانطور که مقاماتدو کشور و دیپلماتها یا ناانبارهااشارهکردهاندروابطدو کشور ایرانوترکیه میبایستتیبه صورت مستمر توسعه یبهود یابد.

نتیجه گیری :

بررسی تاریخ روابط ایران و ترکیه بیانگر آن است الی رغم رقابت بسیار شدید دو کشور از عراقتا شام و قفقاز، تهران و آنکارا همواره بایکدیگر در صلح و سازش بوده و به گسترش روابط فی مابین متمرکز کرده اند. امضای قراردادهای متعدد در حوضه انرژی و توسعه روابط تجاری نشاندهنده علاقه دوطرف برای حفظ آرامش و همکاری های دوجانبه به هنگام در خطر گرفتن منافعشان است. با این وجود و به رغم بهبود روز افزون روابط تجاری با ایران و ترکیه، اختلاف نظرهای اساسی آنکارا و تهران در عراق و سوریه این دو امپراطوری قدیمی رادرمسیر برخورد بایکدیگر قرارداده است در همین راستا اگرچه هنوز برای اصلاح اختلافات طرفین نشست هایی صورت گرفته است و سران سیاسی و نظامی ایران و ترکیه به همراه روس در یک راستا قدم هایی برداشته اند که منافعشان تامین شود. بهترین راه در حال حاضر مذاکره و گفت و گو میان دو کشور و برطرف شدن فضای بی اعتمادی میان آنهاست - ادامه مذاکرات مقامات دو کشور در بالاترین سطح می تواند کمک بسیار زیادی به حل و فصل اختلافات منطقه ای دوطرف شود به باورتحلیل گران سیاسی ایجاد یک کانال دیپلماتیک میان رهبران ایران و ترکیه و معرفی نمایندگان به منظور ایجاد شرایط وزمینه لازم جهت گفت و گو میان سران دو کشور از جمله اقداماتی است که می تواند مساعد نمودن روابط دو کشور شده و این روابط باعث شده کاهش چشمگیر درگیری در سوریه شده و تاثیرات دیپلماسی و نقش آن نمایان گردید و آمریکا و ترکیه از یک سو و ایران و روسیه همکاری های نظامی بسیار نزدیکی بایکدیگر دارند و به باورتحلیلگران سیاسی باید در هر مرحله از نزدیکی تهران و آنکارا به یکدیگر ایفای نقش نمایند و روسها تلاش داشته تازمینه نزدیکی بیشتر ایران و ترکیه در حل مسئله سوریه فراهم کند اما واشنگتن تاکنون تلاش در این راستا صورت نداده و تمایلی چندانی به مستحکم تر شدن روابط ایران و ترکیه ندارد.

حجم گسترده‌ی مبادلات تجاری میان ایران و آنکارا و از سوی دیگر وابستگی آنکارا به واردات گاز از ایران و در نهایت روابط گسترده اتباع دو کشور در زمینه‌ی تجاری و گردشگری از جمله دلایل مهمی است که ضرورت وجود صلح و آرامش میان ایران و ترکیه را نشان می‌دهد. سفر ستاد مشترک ارتش ترکیه به ایران با توجه به وضعیت سیاسی عراق و همه‌پرسی اقلیم کردستان و عضویت ترکیه در ناتو و از لحاظ سیاسی، امنیتی و اطلاعاتی، متحد استراتژیک آمریکا است و ترکیه تاکنون با متحدین منطقه‌ای آمریکا مانند پاکستان، افغانستان، عربستان، قطر و امارات همکاری و قراردادهای نظامی به امضای رسانید که این سفر هر چند مخالفت‌های آمریکا را داشته است اما همکاری ایران و ترکیه را زمینه آرام در مرزهای هر دو کشور را فراهم خواهد ساخت و باعث گسترش روابط سیاسی-اقتصادی، فرهنگی خواهد شد.

در همین چارچوب ایران و ترکیه برای خنثی کردن این اقدامات امپریالیستی و صهیونیستی باید همکاری مشترکی داشته باشند هر چند که اردوغان در مراحل اولیه با سیاست‌های اشتباه درسوریه و عراق باعث شد به بحران دامن زده شود و بحران سوریه و عراق شدید شود و گروهک داعش گسترش یابد اما بعدها سیاست اردوغان تغییر نموده و با سیاست‌های ایران و روسیه همراه گردید. برای مقابله با طرح خاورمیانه بزرگ ایران و ترکیه با همکاری نزدیک بایک دیگر می‌توانند ثبات خوب امنیتی، سیاسی و نظامی خوبی را فراهم ساخته و از تجربه منطقه و ن فوذ بیشتر آمریکا و اسرائیل در منطقه پیشگیری نمایند که این مذاکرات نتیجه داد و فراندوم اقلیم کردستان عراق که یک برنامه ریزی آمریکایی و اسرائیلی بود با شکست روبرو گردید. یکی از موضوعات مهمی که می‌توان درباره‌ی ایران و ترکیه مطرح کرد عدم شکل‌گیری یک رابطه راهبردی به عنوان دو کشور مهم و تاثیرگذار در منطقه بودند و کشور ترکیه در همکاری‌های خود با عربستان می‌بایستی به نحوی عمل کند که این همکاری‌ها ایران را تحت شعاع قرار ندهد آمریکا با تشکیل مثلث آمریکا، ترکیه و عربستان و در کنار آنها اسرائیل طرحی را پیاده می‌کنند که ایران را در منطقه مهار نموده و به انزوا بکشانند و اسرائیل و عربستان و اجرای طرح آمریکایی و حمایت نمود و تنها کشوری که میتواند جلوی این طرح را بگیرد، ترکیه می‌باشد.

اگر بخواهیم در منطقه آرامش برقرار شود بدون تغییر بازیگران مداخله‌گر و بازیگران منطقه‌ای راه به جایی نمی‌بریم. هر چند پارادایم‌های حاکم بر منطقه بعد از بحران ۷ ساله عراق و سوریه دچار تغییرات بنیادی خواهد شد و حضور قدرت‌های بزرگ در منطقه از جمله آمریکا کشورهای اروپایی و روسیه به صورت‌های دیگر برجسته خواهد شد اگرچه سیاست خارجی ترکیه بر مبنای نوع‌ثمنی‌گرایی که توسط داوود اوغلو مطرح شد و حزب عدالت و توسعه آن را در دستور کار خود قرار داده است و از سوی دیگر ترکیه در بحث الحاق به اتحادیه اروپا با مشکلات بسیاری مواجه بوده است سیاست خارجی

ترکیه ارتقای نقش جهانی خود می باشد و خودش را می خواهد به اروپا و اسرائیل نزدیکتر نماید و چتر بازیگری خود را ارتقا بخشد. مهم ترین ساختار شناسی بازیگران، همکاری، تقابل، رقابت و ائتلاف در حال تعامل با یک دیگر بوده و دولتهای ایران - عربستان، ترکیه، مصر، عراق و سوریه و رژیم صهیونیستی به همراه پنج عضو دائم شورای امنیت (آمریکا، روس، انگلیس، چین، فرانسه) عمده ترین دولت های بازیگر در منطقه بوده اند و قطر و امارات هم می خواهند نقشی در منطقه داشته باشند اما ایران - ترکیه و عربستان و اسرائیل در واقع یکی از اصلی ترین بازیگران در منطقه خاورمیانه می باشند.

آمریکا که یکی از بازیگران فرامنطقه ای می باشد که حفظ و کنترل امنیت انرژی و حفظ امنیت اسرائیل دو اولویت اصلی واشنگتن بوده است. روسیه و چین به خاطر پرورنده ی هسته ای ایران و پرورنده ی سوریه به صحنه ی بازی در منطقه بازگشتند و انگلیس هم افکار و سیاست آمریکا را دنبال نموده و فرانسه هم نقش نسبتا فعال در پرورنده های مرتبط با لبنان و سوریه از خودشان نشان داده است. سازمان های بین المللی همچون اتحادیه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، شورای امنیت، سازمان ملل متحد به عنوان بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای بازیگران در صحنه به شمار می آیند و سازمان های غیردولتی می باشند همچون اخوان المسلمین، حماس، حزب الله، القاعده، حزب دموکرات کردستان، اتحادیه میهنی کردستان عراق، حزب کارگران کردستان ترکیه و.... از بازیگران غیر دولتی فعال در صحنه منطقه خاورمیانه هستند.

پس منطقه مرزی ایران و ترکیه در منطقه ای حساس و استراتژیک واقع شده است که مانند گاز باروت بوده که منتظر یک جرقه می باشد که با مدیریت، دیپلماسی مطلوب بین ایران و ترکیه و مانع شدن از هرگونه دخالت کشورها و سازمانهای فرامنطقه ای و حتی جلوگیری از دخالت سایر کشورهای منطقه ای که سیاست های غرب را پیاده میکنند می تواند مرزهای ایران زمینه همکاری های، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی باشد که به نفع هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ترکیه باشد و از بروز هرگونه بحران جلوگیری به عمل آورد و اگر بحرانی ما بین ایران و ترکیه رخ بدهد هزینه های گزافی برای هر دو کشور رقم خواهد خورد. لذا تداوم حضور نظامی و اطلاعاتی آمریکا در منطقه، جنگ طلبی اسرائیل، تقویت گروهک های تروریستی، چگونگی تشکیل دولت فلسطین، مسائل سیاسی لبنان، جنگ قدرت های رقیب در فضای سیاسی سوریه، گسترش آرام و تدریجی پیمان ناتو در کشورهای عرب، اختلافات قومی و مذهبی (شیعه و سنی) و غیره. همه ی بازیگران با تمامی ابزارهای قدرت ملی - خواهان افزایش نقش و نفوذ خود بر مبنای مهار و نفوذ هستند تا منطقه را به نفع خود رقم بزنند.

منابع

- ۱- ازغندی، علیرضا. (۱۳۹۱) "تغییر اجتماعی و توسعه (نگاهی به نظریه های نوسازی، وابستگی و نظام جهانی)"، ترجمه محمود حبیبی مظاهری. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. ##
- ۲- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۶۹) "تحریر الوسیله"، فصلنامه دفاع، جلد اول. ##
- ۳- امام خمینی (ره)، روح الله. (۱۳۶۹) "صحیفه نور". تهران: انتشارات سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، جلد ۱۶ و جلد ۱۸. ##
- ۴- باهنر، ناصر. (۱۳۸۵) "فناوری های رسانه ای و نقش های فرهنگی، چالش و راهبردهایی در توسعه فرهنگی"، مجله رسانه: دفتر مطالعه و توسعه ی رسانه ها، شماره ۶۷. ##
- ۵- پرسکات. (۱۳۵۶). گرایش های تازه در جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میر حیدر: انتشارات دانشگاه تهران. ##
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۷۹). مطالعات سیاسی و اجتماعی. قم: سازمان حوزه ها و مدارس علمیه خارج از کشور، جلد دوم. ##
- ۷- حقیقت، سید صادق. (۱۳۹۴). قم، دانشگاه مفید. ##
- ۸- خطابی، غلام حسین. (۱۳۷۴). مرزبانی. تهران: معاونت آموزشی ناجا، چاپ اول. ##
- ۹- درایسول، الایرواج، بلیک، جدالد. (۱۳۷۴). جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا، ترجمه دره میر حیدر. تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ چهارم. ##
- ۱۰- رحمتی راد، محمد حسین. (۱۳۷۴). مرزبانی، گذرنامه و اتباع بیگانه. تهران: معاونت آموزشی ناجا، ##
- ۱۱- سیف زاده، سیدحسین. (۱۳۸۵). اصول روابط بین الملل. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، نشر میزان. ##
- ۱۲- عاملی، شیخ حر. (۱۴۰۱ ه.ق). وسائل الشیعه: ناشر مکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، جلد ۲، باب ۱۴ روایت ۲۵۰۱۰. ##
- ۱۳- فیروزآبادی دهقانی، سیدجلال. (۱۳۹۵). کلیات روابط بین الملل. تهران: نشر مخاطب. ##
- ۱۴- فیروزآبادی دهقانی، سیدجلال. (۱۳۹۲). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات سمت. ##
- ۱۵- قوام، سید عبدالعلی. (۱۳۹۰). اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل. تهران: انتشارات سمت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی. ##

- ۱۶- لرنی، منوچهر. (۱۳۸۳). امنیت ملی و دفاع از ارزش ها. تهران: سازمان عقیدتی سیاسی ناجا معاونت آموزش. ##
- ۱۷- کریمی پور، یدالله. (۱۳۸۱). "ایران و همسایگان منابع و تنش و تهدید". تهران: انتشارات دانشگاه تربیت علوم. ##
- ۱۸- متقی، جلال. (۱۳۷۷). "امنیت و اقتصاد". نشریه امنیت، سال دوم شماره چهار: نشر وزارت کشور، حوزه معاونت امنیت و انتظامی. ##
- ۱۹- مطهری، مرتضی (۱۳۶۱). "بیست گفتار". قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، چاپ هشتم. ##
- ۲۰- ی. سو، آلون. (۱۳۹۰). "تغییر اجتماعی و توسعه (مروری بر نظریه های نو سازی، وابستگی و نظام جهانی)". ترجمه محمود حبیبی مظاهر. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی. ##

21-Hoffman, stanly. (1981 summer). security in the age of turbulence , means of response in third world conflict and international security, Adelpani papers, no157##.

22-In RehmanIqbalur. (1992). National secreity and the problem of unconventional warfare. Delhi: Kanishka publishing housd##.

23-R.cooper. (1977). Olveygoldman Kelly 1984, ch.14##.